

استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم

* سیده مطهره حسینی

** علیرضا قائمی نیا**

چکیده

زبان‌شناسی شناختی که در دو قرن اخیر ظهور نموده، روش‌های خوبی برای بررسی و درک بهتر متون ارائه کرده است. استعاره در این رویکرد استعاره مفهومی نامیده شده است. این مقاله به بررسی استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم که ساختار پیچیده و متشکل از چندین نوع استعاره دارد و بسط معنایی حاصل از آن که مالکیت و استیلا و علم خداوند به نعمات اخروی و دنیایی را بیان می‌کند، می‌پردازد. در شواهدی از آیات قرآن، رحمت خداوند همچون اموال گرانبها در گنجینه‌هایی ذخیره شده که خداوند در مواقع لزوم و شایستگی بنده، برای بهره‌مندی در آن را می‌گشاید یا نعمت‌های معنوی مانند ارسال رسل و نزول قرآن به صورت بارانی که بر بندگان می‌بارد، مفهوم‌سازی شده است و در گونه دیگری، رحمت خداوند به‌مثابه ظرف یا پهنه وسیع یا حجیمی است که بنده می‌تواند داخل آن برود یا خارج از آن باشد. قرآن به کمک استعاره‌های مفهومی جهانی از اندیشه را به روی بشر گشوده و مفاهیم بسیار پیچیده از امور غیبی و مجردات را با زبانی ساده و ملموس به بشریت عرضه کرده است. واژگان کلیدی: آیات قرآن، استعاره مفهومی، استعاره وجودی، استعاره جهتی، استعاره ساختاری، رحمت الهی.

۲۷
ذهن

seiedeh.hoseini@gmail.com

* دکتری علوم حدیث دانشگاه قرآن و حدیث.

** دانشیار گروه معرفت‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. qaemini@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۵/۷/۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۵

مقدمه

زبان و گفتار یکی از ویژگی‌های انسانی و سبب پیدایش آن، اجتماعی بودن انسان و نیاز به ارتباط با هم‌نوعان است. مطالعات زبان‌شناسی در قرن حاضر به کارکردهای متنوعی از زبان دست یافته و اصول و روش‌هایی برای تحلیل زبان ارائه کرده است. آیات قرآنی در عین برخورداری از پیام فراتاریخی و سازنده برای انسان، بیان حقایقی است و مسلمانان باید بر اساس مبانی دینی و کلامی خود و با بهره‌گیری از تجربه‌ها و ابزارهای روز به تحلیل موضوع‌های دینی خود بپردازند؛ زیرا محتوای دین به وسیله زبان انتقال یافته است و یافتن معانی و مفاهیم ایدئال‌های زندگی دینی منشأ توجه به زبان دین شده است (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ص ۲۴). زبان از کلمات و واژگان تشکیل یافته است. هر واژه مفهومی خاص با خود حمل می‌کند. «بر معنایی که لفظ دلالت می‌کند موضوع‌له و به‌کارگیری هر واژه در معنای موضوع‌له حقیقت می‌گویند. گاهی کلمه در معنای دیگری که مناسبتی با معنای حقیقی دارد، به‌کار می‌رود که اصطلاحاً آن را مجاز می‌گویند و استعاره نوعی مجاز است و در مواردی به‌کار می‌رود که میان موضوع‌له و مورد به‌کاررفته شباهتی وجود داشته باشد» (معرفت، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰). استفاده از مجاز شیوه رایج در گفتمان بوده است و در میان همه اقوام وجود داشته است. در زبان قرآن که به تصریح آیات قرآن به زبان قوم نازل شده نیز این شیوه کاربرد دارد: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ: و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا حقایق را برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و اوست ارجمند حکیم (ابراهیم: ۴).

مجاز در کلام عرب نیز کاربرد داشته است. ابوزید که این مفهوم را به‌کار برده است، متوفای ۱۸۴ میلادی است؛ یعنی قبل از اینکه ابن‌سحاق کتاب **الخطابه** ارسطو را ترجمه کرده باشد (الرویشیدی، ۱۴۱۴، ص ۴۵). عبدالقاهر جرجانی نیز به این مطلب که مجاز و استعاره در میان اعراب رایج بوده و قرآن نیز به زبان عربی رایج نازل شده و

شیوه بیانی آنان را در معانی و بیان به‌کار برده است، اذعان نموده است (الجرجانی، ۱۳۹۹، ص ۳۶۱). امروزه علوم شناختی گسترش زیادی یافته و علوم مختلف از جمله علوم زبانی را تحت تأثیر قراردادده است. «زبان‌شناسی شناختی مکتبی است از تفکر زبان‌شناختی که در علوم شناختی جدید دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی و ریشه در سنت‌های اولیه روان‌شناسی دارد. این مکتب بر اهمیت نقش معنا و مفهوم‌سازی بر اساس تجربه و مطالعه زبان و ذهن و ارتباط آنها با یکدیگر تأکید دارد» (کوچش، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲). بر اساس نظریه شناختی، استعاره نیز نوعی مجاز و مقوله‌ای ذهنی است، برخلاف نظریه سنتی که آن را پدیده‌ای ادبی می‌دانستند. زبان‌شناسی شناختی نحوه ارتباط اندیشه و ذهن را تحلیل کرده، تبیین نویی از زبان ارائه می‌دهد. این رویکرد را اولین بار لیکاف و جانسن ارائه کردند و به استعاره مفهومی شهرت یافت. «در تعریف بعضی از صاحب‌نظران استعاره سنتی، نوآوری‌هایی وجود دارد که با طبقه‌بندی جدید استعاره در غرب همخوانی دارد و استعاره را بازتابی از تمدن و فرهنگ می‌داند. در واقع دو نوع تلقی (نو و سنتی) در قالبی واحد گرد آمده است» (داوری اردکانی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۸). در نظریه سنتی زبان، استعاره موضوعی ادبی محسوب شده که بخش ثانویه و غیرحقیقی زبان را شامل می‌شود؛ یعنی لفظ در معنای غیرحقیقی و متعارف مانند شعر به کار گرفته شده است؛ ولی رویکرد جدید آن را رد می‌کند. پل ریکور، فیلسوف فرانسوی، کاربرد استعاره را در ایجاد معانی جدید تبیین می‌کند (ریکور، ۱۳۸۶، ص ۸۳). نظریه معاصر مبتنی بر آن است که استعاره در اصل جنبه مفهومی دارد. رویکرد شناختی زبان‌شناسی، ساختار زبان را نتیجه مستقیم شناخت ذهن می‌داند و «زبان‌شناسی شناختی به این معنا، شناختی است که نقش شناخت، یعنی اطلاعات موجود در ذهن را در مفهوم‌سازی موقعیت‌های خارجی بررسی می‌کند» (قائم‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۴۷). در واقع اندیشه انسان دانشی را که از بافت زندگی واقعی به دست می‌آورد، مقوله‌بندی می‌کند و این مقوله‌بندی در زبان بازتاب می‌یابد؛ در نتیجه با مطالعه زبان می‌توان به سازوکارهای ذهن دست یافت. متون دینی سرشار از استعاره است. اگر بخواهیم زبان دین را بفهمیم

باید به شیوه استعاره‌ی توجه کنیم (ریکور، ۱۳۸۶، ص ۸۳)؛ بنابراین برای فهم جهان‌بینی الهی و نگرش دینی به زندگی لازم است استعاره‌های مفهومی قرآن واکاوی شود تا به مبانی و اصولی که آیات قرآن برای روش صحیح زندگی و تعامل در دنیا ارائه می‌دهد، پی برد. در این مقاله، ابتدا به تبیین برخی مفاهیم و انواع استعاره در رویکرد جدید می‌پردازیم، سپس مفاهیم استعاره‌ی مربوط به رحمت الهی را واکاوی می‌کنیم. برای فهم واژگان و تبیین مفاهیم آیات و یافتن معنای استعاره‌ی به تفاسیر المیزان، مجمع البیان، التحرير و التنوير، الکشاف و نمونه مراجعه شده است.

الف) استعاره مفهومی در قرآن

بسیاری مفسران به این نکته اشاره کرده‌اند که قرآن حقایق غیبی و معنوی را در قالب امور مادی و حسی بیان می‌کند تا انسانی که تجربیاتش در عالم ماده است، آن را درک کند. به تعبیر آیت‌الله جوادی‌آملی فنون و علوم انسانی در کمیت و مقدار است، ولی ماورای طبیعت کمیت ندارد؛ از این رو دانش بشری اندک است و به تعبیر قرآن «وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» (نجم: ۲۹-۳۰). ره‌توشه انبیا خبر از غیب و هدایت به آن بود، به همین جهت خداوند فرمود، فرستادگان من چیزی را که در دسترس اندیشه بشر نیست، به او می‌آموزند: «وَلَمْ يُعَلِّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۲). قرآن به این واقعیت اشاره می‌کند که هر قوم دارای زبان مخصوص به خودش است و پیامبران به زبان قوم خود سخن گفته‌اند: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ...» (ابراهیم: ۴). پدیده وحی دارای دو بُعد متفاوت است؛ یک بعد مافوق طبیعی که قابل تحلیل نیست و یک بعد معناشناختی که کلام خداست و با خلق سخن می‌گوید، این بُعد قابل تحلیل است. وحی در آخرین تحلیل، گونه‌ای از سخن است: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (المزمل: ۵). این آیه بیانگر دو سیمای وحی است: لفظ «قَوْلًا» اشاره به کلام و سخن بودن آن است و لفظ «ثَقِيلًا» سیمای فراطبیعی وحی را که قابل تحلیل نیست، نشان می‌دهد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

خداوند محتوای دین را از راه زبان به بشر منتقل کرده است و همه ادیان از طریق سخن گفتن محقق شده‌اند. ظهور اسلام نیز با سخن گفتن بوده است و خداوند با پیامبر خود سخن گفت و این، همان مفهوم وحی است و وحی اساساً مفهوم زبان‌شناختی است. مخاطب وحی انسان است و از گوینده خاص در سیاقی معین و برای هدفی مشخص صادر شده است (ایزتسو، ۱۳۷۴، ص ۱۹۳) و متون دینی ماهیتی استعاری دارند.

اگرچه در رویکرد معاصر، استعاره‌های قرآن زیبایی در کلام را ایجاد کرده است، اما فقط برای زیبایی نیست؛ بلکه برای فهماندن بسیاری از امور ماورایی و مفاهیم معنوی به انسانی است که در جهان مادی زندگی می‌کند. برای رسیدن به این هدف از مفاهیم ملموس بشری استفاده کرده است. «خداوند متعال برای راهنمایی بشر به خود و اوصاف خداوندی‌اش همین الفاظی که بشر ابتدا از آن معانی محسوس را درک می‌کند، به‌کار گرفته است تا بشر از آن معارف بلند هرچند اندک بی‌بهره نماند» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۵). خداوند می‌خواهد در جهان‌بینی و تفکر انسان تغییر و تحول ایجاد کند. قرآن برای تغییر در اندیشه بشری و ارائه جهان‌بینی مورد نظرش از استعاره استفاده کرده است؛ قرآن ارتباط معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی میان فضاهای مختلف ایجاد کرده است. این شباهت‌ها سبب شده که آیات قرآن شبکه به‌هم‌پیوسته مفهومی باشد. «ساختار مفهومی قرآن به‌گونه‌ای است که در آن، مفاهیم شباهت‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی دارند و مفهوم‌سازی‌های قرآن از موقعیت‌های مختلف، با توجه به این شباهت‌ها صورت می‌گیرد» (قائم‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۶). ذهن انسان یا تشابه‌های موجود و مورد نظر را برجسته می‌کند یا تشابه‌های مورد نظر برای درک مفهوم بین دو حوزه مبدأ و مقصد را به‌وجود می‌آورد و موارد اختلافی را پنهان می‌کند. قرآن به زیبایی از این روش برای قابل درک شدن مفاهیم غیبی برای انسان، استفاده کرده است:

در مرحله اول از امور محسوس و شناخته‌شده بشر استفاده می‌کند. در مرحله دوم طرح و نقشه آن را در ذهن ترسیم می‌کند. در مرحله بعد، فضای ذهنی آن مفهوم را در ذهن ایجاد می‌کند و در مرحله چهارم آن مفهوم را به کمک امور حسی مجسم می‌کند، جسم ما شاخص و وسیله سنجش است به قول جانسن

جسم هر کس در ذهن او جای گرفته و هر چیزی را با او می‌سنجد. جسم حوزه مبدأ است. خالق بزرگ انسان حتی بزرگ‌ترین حجم‌ها را هم با مقایسه با جسم به ذهن و اندیشه ما وارد می‌کند و جسم ما را در ذهنمان همانند یک ذخیره بانکی قراردادده است تا برای فهم و درک مفاهیم آن بهره بگیریم (سلیمان احمد، ۲۰۱۴، ص ۱۷۶-۱۷۸).

مفهوم‌سازی‌های عالی قرآنی نتیجه پردازش‌های بی‌بدیل قرآنی است و بُعدی از ابعاد اعجاز قرآن به شمار می‌رود. بر اساس این نظریه معناشناسی قرآن، مهم‌ترین کاربرد زبان‌شناسی شناختی و تحلیل‌های آن است و در این بعد، اصول و قواعد آن به عالی‌ترین صورت به کار می‌رود (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۶). بیان مفاهیم به کمک امور ملموس و حسی بشر راز ماندگاری قرآن در طول زمان است. در آیات قرآن، رحمت خداوند به شکل‌های مختلف مفهوم‌سازی شده است که به نظر می‌رسد یکی از نظام‌های پیچیده استعاری است که متشکل از چندین نوع استعاره است.

انواع استعاره مفهومی

لیکاف استعاره‌های مفهومی را به سه‌گونه تقسیم می‌کند: استعاره‌های هستی‌شناختی (وجودی)، استعاره‌های جهت‌ی و استعاره‌های ساختاری (لیکاف و جانسن، ۱۹۸۰، ص ۱۳۹). ابتدا تعریف کوتاهی از انواع استعاره را بیان می‌کنیم، سپس شواهدی از آیات رحمت خداوند را تحت هر یک از این گونه‌ها بررسی و واکاوی می‌کنیم.

۱. استعاره‌های هستی‌شناختی (وجودی)

در این‌گونه استعاره مفهومی، امور انتزاعی پدیده مادی شمرده شده و در واقع تصویری را در قالب چیز دیگر یا در قالب انسان یا حیوان می‌فهمیم. انسان بر اساس تجربیات و دریافت‌های محیط اطراف خود، هر چیز را دارای حد و مرز مشخص می‌بیند و در ذهن خود نیز همه امور را به‌صورت اجزای جدا از هم فرض می‌کند. «تجربیات ما از اجسام و اشیا مبنایی می‌شود که با امور غیرمحسوس مانند اجسام و اشیا رفتار کنیم، به آنها مثل

اشیا اشاره می‌کنیم، تقسیم‌بندی و شمارش می‌کنیم و بدین ترتیب اندیشه درباره آنها را آسان می‌نماییم» (همان، ص ۲۴). استعاره‌های هستی‌شناختی به سه نوع تقسیم می‌شود: الف) مادی: در استعاره پدیده‌ای یا مادی به مفهومی انتزاعی ارزش پدیده‌ای داده می‌شود. در آیات قرآن رحمت خداوند به صورت گنجینه‌هایی مفهوم‌سازی شده است؛ گویی رحمت خداوند پول یا جواهر گران‌قیمت است که در گنجینه یا به تعبیر امروزی گاو صندوق نگهداری می‌شود؛ یعنی استعاره «رحمت خداوند مال (دارایی) است» به کار رفته است. با این استعاره مفهومی خداوند رحمت را که امری انتزاعی است، برای بندگان ملموس و قابل فهم نموده است: «قُلْ لَوْ أَنُّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ: به این کافران بگو اگر شما مالک خزانه‌های روزی پروردگار بودید، از ترس فقر و تهی‌دستی از انفاق آن خودداری می‌کردید» (اسرا: ۱۰۰)؛ یعنی اگر شما مالک نعمت‌های پروردگار بودید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۸۳) و از آنجا که آنها اصرار داشتند پیامبر نباید از جنس بشر باشد، گویی یک نوع حسادت و بخل مانع از این می‌شد که باور کنند ممکن است، خدا این موهبت را به انسانی بدهد. ابن‌عاشور در تعریف خزائن گفته است:

خزائن جمع خزینه، به مکانی که اموال و اطعمه در آن جمع و نگهداری می‌شود، همچنین به صندوق‌هایی از چوب یا فلز گفته می‌شود که اموال در آن ذخیره و نگهداری می‌شود. در این آیه رحمت خداوند به استعاره همچون شیء نفیس و ارزشمندی قلمداد شده که انسان‌ها خواهان و طالب آن هستند؛ ولی فقط به تشخیص صاحب خزانه به آرزومندان اعطا می‌شود (ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۲۳، ص ۱۱۹).

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ: بلکه آیا نزد ایشان خزانه‌های رحمت پروردگارت هست» (ص: ۹) که از آن خزانه‌ها به هر کس هرچه بخواهد، می‌دهد تا آن را از تو دریغ بدارند؟ بلکه این خزانه‌ها منحصرأ در اختیار خود خداست و او بهتر می‌داند که رسالت را در چه دودمانی و چه شخصی قرار داد، چه کسی را مورد رحمت

خاص خود قرار دهد. در ادامه فرمود: «الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ»، بدان دلیل که خلاصه گفتار را تأیید کند و معنایش این است که هیچ سهمی از خزانة‌های رحمت خدا به دست مشرکان نیست؛ برای اینکه خدا عزیز است؛ یعنی مقامش منبع است و احدی در کار او نمی‌تواند دخالت کند و نیز آنها نمی‌توانند رحمت خدا را از احدی دریغ کنند؛ برای اینکه خدا وهاب و بسیار بخشنده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۸۴). نظیر این سخن را در سوره زخرف آیه ۳۲ نیز می‌خوانیم: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ». علامه طباطبایی رحمته در تفسیر این آیه آورده است: عیش که معیشت از آن گرفته می‌شود، فقط مخصوص موجودات است و در اینجا خداوند می‌فرماید: مایه تعجب است، معیشت دنیایی انسان رحمتی از سوی ماست و آنان حتی بر آن قادر نیستند، چطور در مورد نبوت که رحمت بزرگ پروردگار است آنها می‌خواهند به دست آنان باشد. آنها به جهت نزول قرآن بر تو ایراد می‌گیرند، مگر رحمت پروردگار به دست آنها تقسیم می‌شود؟ نبوت رحمت و لطف خدا بر جهان انسانیت است؛ چراکه اگر انبیا نبودند، انسانها هم راه آخرت و معنویت را گم می‌کردند و هم راه دنیا را. از مجموع دو جمله، یعنی جمله «نَحْنُ قَسَمْنَا...» و «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ...» استفاده شد که تقسیم ارزاق مادی و معنوی در بین مردم، فقط به دست خدای سبحان است و معنای جمله «وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» این است که نبوت که رحمت پروردگار توست، از مالی که مشرکان در پی جمع آن هستند، بهتر است؛ پس وقتی تقسیم این مال و مقام دنیایی در دست آنان نیست، چگونه می‌توانند مهم‌تر از آن را تقسیم کنند (همان، ج ۱۸، ص ۹۸-۹۹ / ابن عاشور، [بی‌تا]، ج ۲۵، ص ۲۴۶).

بر اساس این آیات، گنجینه رزق و روزی انسان‌ها شامل ارزاق مادی و معنوی آنان است و در این آیه برای بشریت مجسم شده که حتی نیازهای مادی که شما در دنیا به دنبال کسب آن هستید، در اختیار شما نیست، بلکه از رحمت خداوند است که به شما می‌بخشد و اگر در اختیار شما بود، در تقسیم آن بین یکدیگر بخل می‌وزیدید تا چه

رسد به نیازهای معنوی، از اینکه قرآن بر پیامبر نازل شده ایراد می‌گیرید. مفهوم‌سازی‌هایی را که توسط استعاره‌های مفهومی به‌کار رفته و در آیات قبل به تصویر کشیده شده بود، به‌وضوح در شرح و بسط معنایی که علامه طباطبایی رحمته‌الله آورده، دیده می‌شود:

«ما يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (فاطر: ۲). زمخشری گفته است: تعبیر فتح (گشودن) استعاره است، به این معنا که گشاینده و صاحب اختیار تام خداوند است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۹۶) و معنای آیه چنین است: آنچه را که خدا از نعمت‌هایش یعنی از ارزاق به بندگانش می‌دهد، در همه عالم کسی نیست که بتواند از آن جلوگیری کند و آنچه را که او از بندگانش دریغ می‌کند و نمی‌دهد، کسی نیست که به جای خدا آن نعمت را به بندگان خدا بدهد و چون معنای آیه این است، مقتضای ظاهر این بود که بفرماید: «ما يرسل الله للناس...»؛ همچنان‌که در جمله دوم فرمود: «فَلَا مُرْسِلَ»، و لیکن این‌طور نفرمود و به جای «یرسل» تعبیر «یفتح» آورد تا اشاره کند به اینکه رحمت خدا خزینه‌ها دارد؛ همچنان‌که در مواردی دیگر این معنا را صریحاً بیان کرده، از آن جمله فرموده: «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ» و نیز فرموده: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ» و معلوم است که تعبیر به «گشودن خزینه» از تعبیر به ارسال (فرستادن) مناسب‌تر است و لذا تعبیر به فتح کرد تا بفهماند آن رحمتی که خداوند به مردم می‌دهد، در خزانه‌هایی ذخیره شده است که فقط خداوند به آن احاطه دارد و بهره‌مندشدن مردم از آن خزانه‌ها تنها و تنها محتاج به این است که خدا در آن خزانه‌ها را به رویشان بگشاید و در جمله «وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ» یعنی فقط اوست که می‌بخشد یا منع می‌کند: «وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» نه در وقتی که اعطا می‌کند، کسی هست که جلو اعطایش را بگیرد و نه در وقتی که منع می‌کند؛ چراکه عزیز و غالب است. اعطا یا منعی ناشی از حکمت و مصلحتی است که می‌بیند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۵). با این مفهوم‌سازی از رحمت خدا به شکل اشیای نفیس

که در گنجینه‌ای که فقط خداوند می‌تواند در آن را بگشاید، به زبان ساده و ملموس می‌فهماند که «تمام خزائن رحمت نزد اوست و هر کس را لایق ببیند، مشمول آن می‌سازد و هر کجا حکمتش اقتضا کند، درهای آن را می‌گشاید و اگر جمله جهانیان دست به دست هم بدهند تا دری را که او گشوده است، ببندند یا دری را که او بسته، بگشایند، هرگز قادر نخواهند بود و این درحقیقت شاخه مهمی از توحید است که منشأ شاخه‌های دیگری می‌باشد» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۷۰)؛ همچنان‌که در تفسیر تبیین شده استعاره مفهومی «رحمت مال و دارایی است» به‌کار رفته است و رحمت به شکل گنجینه ذخیره شده و نزد خداوند است و به محض بروز شایستگی از طرف بنده در نعمت به رویش باز می‌شود و با این مفهوم‌سازی استعاری، استیلا و تسلط خداوند بر امور و نیازهای بندگان را می‌رساند و هم علم خداوند به نیازها و شایستگی‌های انسان و آنچه را که استحقاقش را دارد، برای درک انسان مجسم شده است تا مالکیت خداوند را که مالکیت حقیقی است، در برابر مالکیت انسان که اعتباری و ناپایدار است، ملموس نماید.

در برخی آیات رحمت خدا مانند مواد خوراکی که دارای طعم، مزه و قابل چشیدن است، مفهوم‌سازی شده است: «وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً» (هود: ۹) کلمه «ذوق» - که فعل «اذقنا» از آن گرفته شده، به معنای آن است که چیزی را برای اینکه بفهمی چه طعمی دارد و در دهان بگذاری. اگر خدای سبحان در این آیه اذاقه و چشاندن خوانده برای این است که بفهماند لذات دنیا مانند طعم غذاها ناپایدار است و به‌سرعت از بین می‌رود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۲۳۲ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۴۵). همچنان‌که در تفسیر آیه تبیین شده است، این استعاره مفهومی به شکل ملموسی به ما می‌فهماند که نعمت‌ها و لذت‌های دنیایی موقتی و ناچیز است؛ زیرا چشیدن، خوردن به مقدار کم است؛ پس چندان نباید به آن دل بست و وابسته شد. در آیه بعد حال انسان‌ها در این دنیا است که به طعم ناپایدار لذات دنیوی وابسته و شادمان هستند و در صورت از دست دادن آن، ناامید و پریشان‌خاطر می‌شوند: «وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ

تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ: و چون به مردم رحمتی بچشانیم، به آن شادمان شوند و اگر به خاطر کار و کردار پیشینیان مکروهی به ایشان رسد، آن‌گاه است که نوید می‌شوند» (روم: ۳۶/ آیات دیگری با همین مضمون مانند روم: ۴۶/ روم: ۳۳/ فصلت ۵۰). از آنجاکه خوردن نوعی تسلط و مالکیت به همراه دارد و در بعضی آیات نیز به مفهوم استعاری در خوردن مال یتیم و رشوه‌خواری به کار رفته است، وقتی از خوردن مال یتیم نهی می‌کند، یعنی در مال یتیم تصرف نکنید؛ ولی درباره رحمت خدا چشانیدن به کار رفته تا هم کوتاه و ناپایدار بودن نعمات دنیایی را بفهماند و هم اینکه این نعمت‌ها از سوی خداست و مالک اصلی خداوند است و مالکیت انسان‌ها در این دنیا اعتباری است؛ مالک حقیقی نعمت‌ها خداوند است و این مفهوم با الفاظ چشیدن و چشانیدن به زیبایی دلالت می‌کند، به اینکه مقدار کمی از آن در اختیار شما قرار گرفته و نمی‌توانید به تمام و کمال در آن تصرف داشته باشید. تسلط و استیلا بر رزق دنیوی از آن خداوند است و این مطلب اشاره بر سنت قضا و قدر خداوند است که بدون پیچیدگی استدلال فلسفی تبیین شده است. نعمت‌های مادی و معنوی در اختیار خداوند است و مقدار کمی از آن در این دنیا در دسترس است تا انسان‌ها مورد آزمایش قرار گیرند و شایستگی یا عدم شایستگی خود را برای دریافت نعمت و رحمت اخروی، بروز دهند.

در آیاتی دیگر رحمت که امری انتزاعی است، حجم و بعد ندارد؛ چیزی قلمداد شده که خداوند به انسان عطا می‌کند یا می‌بخشد: «آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف: ۶۵). هر نعمتی، رحمتی است از ناحیه خدا به خلقش؛ لیکن بعضی از آنها مانند نعمت‌های مادی ظاهری در رحمت‌بودنش اسباب عالم هستی واسطه است و بعضی از آنها بدون واسطه رحمت است؛ مانند نعمت‌های باطنی از قبیل نبوت و ولایت و مراتب مربوط به آن. در آیات دیگر نیز همین مضمون وجود دارد: «رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً» (کهف: ۱۰). اصحاب کهف گفتند: پروردگارا! رحمتی از گنج‌های رحمت که آمرزش و روزی و درمان‌بودن از شر دشمنان می‌باشد، به ما مرحمت فرما (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۵۴).

«وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» آن‌گاه به دنبال آنان پیامبران خود را پی در پی آوردیم و عیسی پسر مریم علیه السلام را در پی آنان آوردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت نهادیم» (حدید: ۲۷). ابن‌عاشور در تفسیر این آیه می‌نویسد: خداوند رحمت را همچون یک شیء در دل‌های کسانی که از عیسی علیه السلام پیروی می‌کنند، قرار می‌دهد، یعنی با کندن خشونت از دل‌هایشان، رحمت را در آن سوخت می‌دهد (ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۲۷، ص ۳۷۸). دل همچون ظرفی و مکانی مفهوم‌سازی شده که خشونت از آن کنده می‌شود و رحمت در آن داخل می‌گردد: «وَأَتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ» (هود: ۲۸)؛ «وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا» (ص: ۴۳)؛ «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا» (مریم: ۵۰)؛ «وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا» (مریم: ۵۳). برادرش هارون علیه السلام را از رحمت خویش به او بخشیدیم و به او سمت نبوت دادیم تا شریک و همکار برادر باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۸۰۰) و «هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل‌عمران: ۸). در این آیات رحمت به مثابه پدیده مادی است که خداوند می‌دهد؛ بنابراین استعاره مادی به کار گرفته شده است.

۱-۲. استعاره ظرف

ذهن پدیده‌ها و اشیایی را که فاقد حجم است، طوری فرض می‌کند که گویی دارای درون و بیرون است؛ برای نمونه چون درک درستی از ماهیت ذهن ندارد، آن را مانند ظرفی در نظر می‌گیرد و می‌گوید مطلب از یادم رفت. تعبیر خزائن و گنجینه رحمت الهی استعاره ظرف محسوب می‌شود که دارای درون و بیرون است و اگر در آن را باز کنند، به بیرون می‌ریزد: «وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). مودت و رحمت بین همسران به صورت شیء مادی مفهوم‌سازی شده که خداوند آن را در بین آنان نهاده است و مایه آرامش بین آن دو است. همچنان‌که می‌بینیم، از اصطلاح «بین آن دو» استفاده شده که تصور فاصله مکانی بین دو نفر را که برای اشیای مادی به‌کار می‌رود،

به ذهن متبادر می‌کند؛ یعنی فاصله و فضای بین آن دو را رحمت الهی پر کرده است. زمخشری در تفسیر آیه، رحمة را کنایه از فرزند می‌داند: آن رافقة و آرامشی که به وسیله ازدواج در بین شما قرار می‌دهد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۷۳).

در جایی دیگر رحمت خداوند به گونه‌ای فضایی مفهوم‌سازی شده که گویی دارای حجم است و خداوند انسان را در آن وارد می‌کند: «رحمت خدا مکان است» (وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِدْرِيسَ وَ ذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ وَ أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ) (انبیاء: ۸۵-۸۶). در این آیه نیز وارد نمودن پیامبران در رحمت الهی بیان شده است؛ گویی رحمت خداوند فضایی است یا حجم خاصی است و ابعادی دارد که صالحان را در آن وارد می‌کند و با این استعاره این گونه مجسم می‌کند که آنان غرق در رحمت الهی می‌شوند و رحمت خداوند آنها را کاملاً در بر می‌گیرد؛ «یعنی در رحمت خویش غوطه‌ور ساختیم و اگر می‌گفت «رحمانهم» این معنا را نمی‌رساند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۵۹). چنان‌که در تفسیر آیات مشهود بود، اصول معناشناختی که زبان‌شناسان معاصر درباره استعاره ارائه کرده‌اند، در تفسیر مفسران هم وجود دارد. گویی تفسیر معناشناختی و بر اساس اصول معناشناسی کرده‌اند. البته بررسی این مطلب پژوهش‌های مفصل‌تر در آیات قرآن با رویکرد شناختی را می‌طلبد. «وَ أَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ: و لوط را در رحمت خود داخل کردیم که او از صالحان بود» (انبیاء: ۷۵). لوط علیه السلام را داخل در منت و نعمت خود کردیم؛ زیرا رفتار خود را اصلاح کرده و از زشتی‌ها دور بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۸۹). این تعبیر استعاره ظرف است و گویی رحمت خدا ظرفی است که دارای درون و بیرون است که اگر وارد آن شوند، رحمت خدا آنان را فرا می‌گیرد؛ یعنی مؤمنان و صابران با عمل‌کرد خود شایستگی نشان دادند و خداوند آنان را در ظرف رحمت خود جای داد.

«إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶). اعتدال در عبادت و اجتناب از فساد در زمین بعد از اصلاح آن را «احسان» خوانده و کسانی را که به این دستورات عمل کنند «محسنین» نامیده که رحمت خدا نزدیک به آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸،

ص ۱۶۰). در این آیه رحمت خداوند به صورت پدیده مادی در نظر گرفته شده که به انسان نزدیک است و این موضوع سهل الوصول بودن را می‌رساند که اگر انسان در مسیر حق باشد، به راحتی توفیق دست‌یافتن به نعمت‌ها را خواهد داشت. در این استعاره رحمت الهی با نزدیکی و دوری مکانی، مفهوم‌سازی شده است.

در برخی آیات استعاره مفهومی «رحمت خدا پهنه وسیع است» به کار رفته است: «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا» (غافر: ۷). این جمله حکایت متن استغفار ملائکه است. ملائکه قبل از درخواست خود، نخست خدا را به سعه رحمت و علم ستوده‌اند و اگر در بین صفات خداوندی رحمت را نام برده و آن را با علم جفت کردند، بدین جهت است که خدا با رحمت خود بر هر محتاجی نعمت می‌دهد و با علم خود احتیاج هر محتاج و مستعد رحمت را تشخیص می‌دهد. حال که رحمت و علم تو وسیع و گسترده است، پس کسانی را که با ایمان آوردن به یگانگی تو و با پیروی دین اسلام، به سوی تو برگشتند، پیامرزش و از عذاب جحیم حفظشان فرما و این هدف و غرض نهایی از مغفرت است: «رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ». همچنین از خانواده آنان که صلاحیت بهشت را دارند، در بهشت داخل کن. سپس فرمود: «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». در معنای شفیع قراردادان، گستره رحمت و گستره علم خدای تعالی است که در آغاز درخواست خود، به عنوان تمهیدی برای بیان حاجت، یعنی آمرزش و بهشت ذکر کرده بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۰۹). ابن‌عاشور گستره رحمت را کنایه از غفران و گستره علم را کنایه از پایداری در ایمان و یقین شمرده است (ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۲۴، ص ۱۵۳).

بر اساس این تصویر از رحمت خداوند، آمرزش انسان و شفاعت او در پهنه رحمت خداوند قرار می‌گیرد؛ یعنی کسانی که توفیق شفاعت و آمرزش خدا را دارند، در ظرف رحمت خدا قرار می‌گیرند؛ ولی کسانی که آمرزش شامل حالشان نشود، در بیرون از گستره رحمت خداوند خواهند بود. آیات دیگری با همین استعاره مفهومی در قرآن به کار رفته است؛ از جمله: «فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ

الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ: اگر تو را در آنچه می‌گویی تکذیب کنند، بگو خدای شما صاحب رحمت فراوان و گسترده است و در کیفر شما عجله نمی‌کند [بلکه شما را مهلت می‌دهد]» (انعام: ۱۴۷) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۸۵). در این آیه رسول خدا ﷺ را مأمور فرمود تا ایشان را به عذاب الهی که مفری از آن نیست، تهدید کند؛ البته نه به‌گونه‌ای که دچار یاس و نومیدی‌شان سازد، بلکه به بیانی که بترسند و در عین حال امیدوار رحمت او بوده باشند. به همین منظور جمله «ذُورِحْمَةٍ وَاسِعَةٍ» را جلوتر از ذکر عذاب فرمود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۶۶) و در آیه‌ای دیگر حتی گناهکاران را مورد خطاب قرار می‌دهد: ای کسانی که به خود ظلم کرده‌اید! هرگز از رحمت خدا ناامید نشوید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (زمر: ۵۳) و «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ: رحمتم همه چیز را فرا گرفته و آن را برای آنها که پرهیزکارند و زکات را می‌پردازند و آنها که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت» (اعراف: ۱۵۶) (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۸۸). طبرسی در تفسیر مجمع البیان سخنی از پیامبر ﷺ به نقل از صحیح بخاری آورده است که در جواب شخصی که از خداوند درخواست کرد که به دیگران رحم نکند، فرمودند: «چیزی را که وسعت دارد، محدود ساختی! منظور آن حضرت، رحمت خدا بود» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۶). به‌کاربردن صفت وسعت و گستردگی که به مکان اطلاق می‌شود، برای رحمت خداوند استعاره است که برای بیان نامحدودبودن رحمت خداوند و مایوس‌نشدن از رحمت خداوند به کار رفته است.

۲-۲. استعاره شخصیت

عواطف یا پدیده‌های اجتماعی به منزله شخص قلمداد می‌شوند؛ مثل اینکه گفته می‌شود امید او را نگه داشته است. در آیات قرآن نیز فعل بشارت‌دادن و آمدن به رحمت داده شده است: «وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ» (اعراف: ۵۷). منظور از «رحمت» در اینجا باران است و «بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ» به معنای «قبل از فرودآمدن

باران» است و در این تعبیر، استعاره تخیلیه به کار رفته است؛ به این معنا که باران را به انسانی تشبیه کرده که خانواده و دوستانش انتظار آمدنش را دارند و جلوتر از او کسی است که آمدن او را بشارت می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۶۰)؛ چنان‌که در تفسیر آیه تبیین‌شده رحمت خدا که باران است و بشارت قبل از آن به شکلی ملموس به تصویر کشیده شده است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ: ای مردم، به‌یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان آمده است» (یونس: ۵۷). فعل آمدن و بشارت‌بودن به رحمت الهی نسبت داده شده و دادن شخصیت انسانی در این دو آیه برای بزرگداشت و بیان عظمت جایگاه رحمت الهی و تحت استیلا و اختیار خداوند بودن را می‌فهماند.

۲. استعاره‌های جهتی

استعاره‌های جهتی نوعی از استعاره مفهومی است که برای فهم یک امر انتزاعی از یک جهت فیزیکی استفاده می‌شود. انسان دارای بدن فیزیکی است و کارکردهای بدنی او در جهات مختلف در محیط فیزیکی است و بر اساس تصویری که از کارکردهای بدنی خود دارد، در بدن چون سر بالاست و عضو اصلی و مهم به شمار می‌رود، برخی امور مانند قدرت، خوشی و موفقیت را بالا و ضعف، ناراحتی و شکست را پایین می‌داند. در آیه ۱۰ سوره ص به صورت استعاری آمده است که آیا مالکیت هستی به‌دست آنهاست که به آسمان بالا روند و وحی و تدبیر خلق را بیاورند: «أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ: یا ملک آسمان‌ها و زمین و آنچه بینشان هست، از ایشان است تا به هر سبب که می‌توانند بالا روند» زمخشری تعبیر استعاری بالارفتن از پلکان و رفتن به آسمان را به کار برده که با دسترسی به تدبیر الهی و خزاین رحمت همخوانی دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۴). این تعبیر که در آیه به کار برده شده،

استعاره جهتی است که رحمت الهی را در جهت بالا مفهوم‌سازی نموده و بالا، جایگاه ارزشمند را مفهوم‌سازی می‌کند؛ چون انسان بر اساس جسم خود امور مطلوب و ارزشمند را بالا می‌داند؛ همچنین جایگاهی که از دسترسی آسان انسان دور است (آسمان‌ها) تا مفهوم استیلا و اختیار و قدرت خداوند را بفهماند.

قرآن از جهت اینکه «معالج امراض قلبی است و برای مؤمنان شفاء» و به لحاظ اینکه «صحت و استقامت نفسانی» می‌آورد «رحمت» است: «و نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَسَارًا: ما نازل می‌کنیم آنچه را که شفا و رحمت است و آن قرآن است» (اسرا: ۸۲). اینکه می‌گوید: برای مؤمنان رحمت است، یعنی نعمت است. شفا و رحمت بودن قرآن را به مؤمنان اختصاص می‌دهد. بدین سبب است که فقط آنها هستند که از قرآن بهره‌مند می‌گردند. «وَ لَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَسَارًا: مردم ستمکار، از قرآن، نه تنها بهره‌ای نمی‌برند، بلکه بر زیانکاری آنها افزوده می‌شود. آنها شایسته پاداش نمی‌شوند، بلکه باعث عذاب خود می‌شوند؛ زیرا در قرآن اندیشه نمی‌کنند و منکر آن هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۷۳). اما اینکه آن را رحمت برای مؤمنان خوانده است، با در نظر داشتن اینکه رحمت افاضه‌ای است که با آن، کمبودها جبران و نیازها برآورده می‌شود، بدان دلیل است که قرآن دل آدمی را به نور علم و یقین روشن می‌سازد و تاریکی‌های جهل و کوری و شک را از آن دور می‌کند و آن را به زیور ملکات فاضله و حالت شریفه می‌آراید و این‌گونه زیورها را جایگزین پلیدی‌ها و صورت‌های زشت و صفات نکوهیده می‌سازد. این است که ما چیزی بر تو نازل می‌کنیم که مرض‌های قلب‌ها را از بین برده، حالت صحت و استقامت اصلی‌اش را به آن باز می‌گرداند، پس آن را از نعمت سعادت و کرامت برخوردار می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۸۴).

اختصاص رحمت به مؤمنان در آیات دیگر نیز آمده است: «یا أَیُّهَا الذِّینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرِسُولِهِ یُؤْتِکُمْ کَفَلِینَ مِنْ رَحْمَتِهِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسول او ایمان بیاورید...» (حدید: ۲۸). کفل به معنای حظ و نصیب

است، پس کسی که دارای مرتبه بالایی از ایمان باشد، ثوابی روی ثواب دارد (ثواب بالاتر استعاره جهتی)؛ همچنان که ایمانی روی ایمان دارد تا خداوند دو بهره و نصیب از رحمتش را به شما کرامت فرماید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۷۴).

۳. استعاره ساختاری

در این نوع استعاره، یک موقعیت یا یک مفهوم که نامشخص است، با موقعیت و مفهومی که ابعاد مشخصی دارد، فهمیده می‌شود و از یک امر مشخص و دارای نظم برای ساختن چارچوب مفهوم دیگر که نامشخص است، استفاده می‌شود. در این‌گونه استعاره، ساختار دقیقی از حوزه مبدأ به ساختار مفهوم انتزاعی منتقل می‌شود. استعاره‌هایی که بیشترین مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند، استعاره ساختاری است؛ اما ممکن است در این‌گونه استعاره‌ها همبستگی تجربی، به شکلی که در استعاره‌های ساده وجود داشت، دیده نشود. در مقابل استعاره‌های ساده به‌عنوان انطباق‌هایی درون استعاره‌های ساختاری بزرگ‌تر و پیچیده‌تر عمل می‌کنند (کوچش، ۱۳۹۳، ص ۴۰۵). هر استعاره ساختاری، مجموعه‌ای منظم از استعاره‌های هستی‌شناختی و استعاره‌های جهت‌مند را درون خود دارد که برای درک امری نامشخص، آنها را ساختاربندی می‌کند؛ مثلاً ساختار جنگ را که دارای یکپارچگی و هماهنگی درونی است، بر مفهوم بحث منطبق می‌کنیم.

استعاره مفهومی رحمت الهی، در اصل استعاره ساختاری است که مفاهیم عقلی و فلسفی پیچیده مانند توحید، صفات خداوند، قضا و قدر و نعمت‌ها و فضل خداوند به انسان را با زبانی ساده و ملموس برای بشر قابل درک نموده است؛ چنان‌که در شواهدی از آیات در هرگونه استعاره مفهومی رحمت الهی بررسی شد و در هرگونه استعاره، جنبه‌ای از ابعاد گوناگون رحمت الهی برجسته و تبیین شده بود؛ برای نمونه تعبیر خزانه رحمت الهی علاوه بر بیان جایگاه و عظمت رحمت خداوند (استعاره جهتی و مادی) تسلط و در اختیار و قدرت و علم خداوند بودن را بیان می‌کند که از مباحث پیچیده

فلسفی است یا چشاندن مقدار کم رحمت با بحث قدر و تقدیر را برای عموم مردم تبیین و قابل درک می‌کند؛ همچنین استعاره ظرف که انسان می‌تواند درون ظرف رحمت باشد یا بیرون از آن قرار گیرد. این موضوعات از موضوعات پیچیده عقلی است که قرآن به زبانی ساده و قابل فهم برای همه مخاطبان از هر سطح که باشند، تبیین می‌کند و با فهم این استعاره‌ها انسان را در مسیر کمال هدایت و کمک می‌کند: «هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (جاثیه: ۲۰) شریعت اسلام بصیرت‌هایی برای مردم است که با آن، تشخیص می‌دهند که چه راهی از راه‌های زندگی را طی کنند تا به حیات طیب در دنیا و سعادت زندگی آخرت برسند و نیز شریعت اسلام هدایت و رحمتی است برای مردمی که به آیات خدا یقین دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۶۹). بصیرت دید باطنی و معرفت است؛ یعنی اسلام، معرفت و زندگی پاک و در نتیجه نعمت و رحمت الهی است.

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (نساء: ۱۷۵)؛ کسانی که به خداوند ایمان آورند و به آن چنگ زند (آن را حفظ کنند) از رحمت خود می‌دهیم و اینان به راه درست زندگی رهنمون می‌شوند و راه تکامل را می‌پیمایند. همه نعمت‌های ظاهری و باطنی رحمت الهی است، حتی خوش رفتاری پیامبر رحمت، رحمتی از جانب خداوند است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ...» (آل عمران: ۱۵۹). سهل‌گیری پیغمبر ﷺ نسبت به ایشان و گذشت او از گناه ایشان رحمتی است از طرف خداوند که او را نرم‌خو، عطوف و خوش خلق قرار داده است.

رحمت الهی ساختار پیچیده استعاری متشکل از استعاره جهتی، استعاره مادی و استعاره ظرف است تا ابعاد مختلف رحمت خداوند برای انسان ملموس و قابل درک شود. در این آیات با کمک استعاره‌های بنیادی جهتی و ظرف، استعاره ساختاری رحمت الهی ایجاد شده که با غنای بیشتر مفهوم رحمت را شرح و بسط می‌دهد و چنان‌که در تفسیر آیات تبیین شده است، در این استعاره مفهومی چند بعد از رحمت

الهی برای درک و فهم انسان به کمک مبدأ محسوس برجسته شده است: ۱. نفیس و ارزشمند بودن؛ ۲. در قدرت و مالکیت خدا بودن؛ ۳. در اختیار و علم خداوند بودن؛ ۴. در جایگاه والا و مقام بلند قرار داشتن.

از آنجاکه اهل بیت و عترت پیامبر ﷺ مفسر قرآن هستند، استعاره‌های قرآنی در سخنان معصومان و متون مذهبی نیز بازتاب دارد که نشان از فهم جهان‌بینی قرآنی دارد و می‌تواند تأکیدی بر برداشت‌های ذکرشده از استعاره‌های مفهومی قرآن باشد؛ از جمله استعاره «رحمت الهی مال و دارایی است» در سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه که فرموده‌اند: «جَعَلَ فِي يَدَيْكَ "مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ" بِمَا أُذِنَ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِاللِّعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ وَاسْتَمَطَّرْتَ شَأْبَيْبَ رَحْمَتِهِ»: خداوند کلیدهای خزاین (رحمت) خود را در دست تو قرار داد، بدین ترتیب که اجازه سؤال و درخواست از حضرتش را به تو داد. پس هرگاه خواستی درهای نعمت او را با دعا گشوده و درخواست فروریختن باران‌های پیاپی رحمت او را می‌نمایی» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

به فرموده امیرالمؤمنین علی علیه السلام خداوند کلیدی از خزاین رحمت خود را به انسان داده است که آن دعاست. دعاکنندگان از جایگاه بالایی نزد خدا برخوردار هستند و می‌توانند کلید به گنجینه‌های رحمت الهی بیندازند و برای ریزش رحمت الهی به سوی خود، برای بازکردن آن تلاش کنند. در هر زمان و مکانی می‌توانند برای برخورداری از رحمت الهی بکوشند. اگر انسان بخواهد، می‌تواند با خداوند ارتباط را برقرار کند. محدودیت‌های دنیایی نمی‌تواند مانع او شود. در این سخن افزون بر اینکه آن حضرت استعاره قرآنی گنجینه رحمت را به کار برده‌اند، تجلی استعاره قرآنی است. مفهوم‌سازی‌های قرآنی دیگر از رحمت نیز در متون مذهبی به کار رفته است؛ برای نمونه «رحمت خدا پهنه وسیع است»: «هُوَ الَّذِي اشْتَدَّتْ نِقْمَتُهُ عَلَى أَعْدَائِهِ فِي سَعَةِ رَحْمَتِهِ، وَاتَّسَعَتْ رَحْمَتُهُ لِأَوْلِيَائِهِ فِي شِدَّةِ نِقْمَتِهِ: با وسعتی که رحمتش دارد کیفرش بر دشمنان سخت و سنگین است، و با اینکه کیفرش شدید است رحمتش همه دوستان را فرا گرفته. یعنی چنان نیست که شدت عقوبت و شدید العقاب بودن او مانع رحمت او

شود و وسعت رحمت او مانع شدت عقوبتش گردد» (خطبه ۹۰).

نیکی به خویشان نیز در گنجینه‌های رحمت خدا را باز و به سوی انسان سرازیر می‌کند؛ از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام صله رحم را نیز در راستای ایمان به خدا و رحمت واسع‌الهی مفهوم‌سازی کرده‌اند: «رَأَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَزِينًا فَقِيلَ لَهُ مِمَّ حُزْنُكَ قَالَ لَسَبَّعِ أَتَتْ لَمْ يَضِفْ إِلَيْنَا ضَيْفٌ: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام را غمناک دیدند، سبب پرسیدند.

فرمود هفت روز گذشته، ولی میهمانی بر ما وارد نشده است، می‌ترسم رحمت الهی از سر من برداشته شده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۲۸). تجلی استعاره‌های قرآنی در سخنان امام علی علیه السلام چنان است که هر کس بخواهد فرهنگ و جهان‌بینی قرآن را در حد اعلی بفهمد، باید به اقوال و افعال امیرالمؤمنین علیه السلام رجوع کند. او مظهر اندیشه قرآنی است؛ از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: «المیزان میزانه» (همان، ج ۲۴، ص ۲۷۲). به همین دلیل است که امام حسین علیه السلام سخن پدر را بارها بیان می‌کند و می‌فرماید: «اسیر بسیره جدی و ابی» (همان، ج ۴۴، ص ۳۲۹).

۴۷
ذهن

نتیجه‌گیری

در زبان قرآن رحمت خداوند که امری انتزاعی است، به شکل‌های مختلف برای انسان مفهوم‌سازی شده است تا ملموس و قابل درک شود. رحمت الهی استعاره ساختاری است که متشکل از چندین استعاره است:

اول. استعاره هستی‌شناختی مادی و ظرف: رحمت الهی، اموال و نفایس گران‌قیمت خزانه پادشاهی (استعاره وجودی مادی) که در جایی بلند ایستاده و مسلط است (جهتی) و نسبت به مسائل بیناست و در خزانه گوهرهای باارزش را گشوده و به مردم می‌بخشد. خداوند نیز در گنجینه غیب را باز می‌کند و به مردم می‌بخشد؛ اوست که از نیاز و خیر و صلاح بندگان آگاه است و نعمت و رحمت خود را در جهت رشد و هدایت بنده‌اش ارزانی می‌کند. با این استعاره، استیلا و قدرت و علم خداوند به نیاز بندگان و شایستگی آنها را برای درک انسان، به شکل ملموس تصویرسازی کرده است

تا بفهماند مالک حقیقی خداوند است و ملکیت این دنیایی انسان‌ها اعتباری و از بین رفتنی است؛ به این ترتیب درک توحید و صفات خداوند تسهیل شده است.

دوم. رحمت خدا به شکل ریزش باران (استعاره جهتی) و شفا تعبیر شده و بیانگر آن است که رحمت در نعمات مادی و دنیایی خلاصه نمی‌شود، بلکه فرستادن پیامبران و قرآن، از الطاف رحمت خداوند و رزق معنوی انسان‌هاست تا به وسیله آنها به زندگی سعادت‌مندان در دنیا و آخرت رهنمون شوند؛ پس کسانی که از تعالیم قرآن بهره‌مند شوند، خود را در معرض ریزش رحمت الهی قرار می‌دهد و با توجه به درجات ایمان و عمل به آنان می‌بخشد و کافران و گمراهان، خود، با عمل کردشان خود را از رحمت الهی که گستره آن در همه جا پهن است، منع کرده‌اند؛ چنان‌که کسانی که کفر بورزند یا ظلم کنند، خود را از رحمت خداوند دور می‌کنند. رحمت مانند ریزش باران در جهت بالا، مفهوم‌سازی شده است و بیانگر جایگاه و عظمت رحمت الهی و در اختیار و علم خداوند بودن را تبیین می‌کند.

سوم. در برخی آیات رحمت خداوند به شکل مکان بسیار وسیعی مفهوم‌سازی شده است که اگر انسان شایستگی خود را بروز دهد، می‌تواند در پهنه رحمت الهی قرار بگیرد. در واقع به صورت سطح مکانی است که انسان مؤمن و خداجو می‌تواند داخل رحمت واسعه الهی شود و مشرکان و کافران خارج از آن هستند که نامحدود بودن رحمت خداوند و عدم یأس بندگان را تبیین می‌کند.

چهارم. در گونه دیگری از مفهوم‌سازی‌های قرآنی، رحمت خدا طعامی است که چشیده می‌شود؛ شامل نعمت‌های دنیایی که خداوند در اختیار انسان قرار می‌دهد و به ظاهر انسان در آن تصرف دارد و مالک است؛ در حالی که خداوند مالک حقیقی است؛ پس خداوند لفظ چشانیدن را به کار برده است تا اندک و ناچیز بودن نعمات دنیایی را به او بفهماند که وابسته و دل‌بسته به لذات این دنیا نباشند و در مقابل لذات آخرت را پایدار و دائمی جلوه می‌دهد تا انسان ضمن برخورداری از نعمات دنیا برای رسیدن به لذات پایدار آخرت برنامه ریزی و تلاش کند.

پنجم. رحمت خداوند (باران) به مثابه بشارت‌دهنده و کسی که می‌آید، تعبیر شده است و استعاره شخصیت قلمداد می‌شود که عظمت و بزرگی رحمت خداوند را تبیین می‌کند.

ششم. گونه‌های مختلف استعاره‌های مفهومی که زبان‌شناسی شناختی ارائه می‌دهد، در زبان قرآن به کار رفته است؛ زیرا قرآن به زبان بشر سخن گفته و امور غیبی و مجردات را با واژگانی که برای انسان قابل درک باشد، بیان کرده است. فهم این استعاره‌ها سبب فهم بهتر آیات قرآن از طریق به‌تصویرکشیدن و مجسم‌نمودن مفاهیم است. نمونه‌هایی که از رحمت خداوند در این جستار بیان شد، مباحث عقلی پیچیده را به زبان ساده برای عموم مردم تبیین می‌کرد؛ از این رو استعاره‌ها جهانی از اندیشه را به روی انسان می‌گشاید و با فهم آن سبک زندگی مورد نظر قرآن، یعنی مسیر کمال انسانی که همان صراط مستقیم الهی است، رهنمون می‌شود.

هفتم. اگرچه مخاطب زبان قرآن انسان است و از سازوکار زبان بشری برای قابل درک شدن امور غیبی و فرادنیایی برای مخاطب استفاده کرده است، ولی استعاره‌های به‌کاررفته در آیات قرآن از خلاقیت و پیچیدگی بیشتری نسبت به استعاره‌های زبان بشری برخوردار است؛ از سویی گونه‌های مختلف از استعاره‌ها در دسته‌بندی‌های پیچیده و منسجم نیز دیده می‌شوند که از آن‌ها می‌توان به کلان‌استعاره یاد کرد که از چندین نوع استعاره تشکیل شده‌اند؛ بنابراین برای درک بهتر مراد و مقصود خداوند ضرورت پژوهش‌های بیشتر در همه آیات قرآن و به‌تبع آن در متون مذهبی دیگر روشن می‌شود.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ قم: نشر کتابخانه عمومی آیه الله نجفی مرعشی، ۱۳۳۷.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحرير والتنوير؛ [بی جا]، [بی تا].
۳. ابو عبیده، معمر بن مثنی؛ مجاز القرآن؛ قاهره: دارالکتب، ۱۳۸۱.
۴. احمد الهاشمی، السيد المرعوم؛ جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البديع؛ ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۵. ایزتسو، توشیهکو؛ خدا و انسان در قرآن؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: نشر فرهنگ، ۱۳۷۴.
۶. پل، ریکور؛ «استعاره و ایجاد معنای جدید در زبان»؛ ترجمه حسین نقوی؛ مجله معرفت، سال ۱۶، ش ۱۲۰، آذر ۱۳۸۶.
۷. پورابراهیم، شیرین؛ بررسی زبان شناختی استعاره در قرآن؛ پایان نامه دکتری، ۱۳۸۸.
۸. جرجانی، عبدالقاهر؛ اسرار البلاغة؛ بغداد: مکتبه المثنی، ۱۳۹۹.
۹. جوادی آملی، عبدالله؛ شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی؛ ج ۶، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۷.
۱۰. داوری اردکانی، رضا، نیلی پوررضا، علیرضا قائمی نیا؛ زبان استعاری و استعاره های مفهومی؛ تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۹۱.
۱۱. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه؛ قم: انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
۱۲. راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ قرآن؛ تحقیق نديم مرعشلی؛ المکتبه لاحیاء الآثار الجعفریة ۱۳۹۲ق.
۱۳. الرویشدی، عبدالله بن علی؛ الحقیقة و المجاز فی القرآن؛ معهد القضاء الشرعی و الوعظ و الارشاد، سلطنة عمان، ۱۴۱۴ق.
۱۴. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۵. سعیدی روشن، محمدباقر؛ تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن؛ ج ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.

۱۶. سلیمان احمد، عطیه؛ الاستعارة القرآنية فی ضوء النظرية العرفانية؛ [بی جا]: الناشر الاکادمية الحديثة للکتاب الجامعی، ۲۰۱۴ م.
۱۷. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین؛ تلخیص البیان عن مجازات القرآن؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال؛ تهران: چاپ نیل، ۱۳۷۸.
۱۹. شهیدی، سیدجعفر؛ ترجمه نهج البلاغه؛ ج ۱۱، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۶.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. —؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۲۳. قائمی نیا، علیرضا؛ بیولوژی نص؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۴. —؛ معنانشناسی شناختی قرآن؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۵. —؛ «نقش استعاره‌های مفهومی در تفکر دینی»؛ قبسات، ش ۵، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۵۹-۱۸۴.
۲۶. قمی، شیخ عباس؛ شرح حکم نهج البلاغه؛ تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۵.
۲۷. کوچش، زلتن؛ مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره؛ ترجمه شیرین پورابراهیم؛ ج ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
۲۸. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ قرآن در آینه نهج البلاغه؛ ج ۳، تهران: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.

۳۰. معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآنی؛ ج ۷، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.

31. Lakoff, George Johnson, Mark; **Metaphors We live by**; Chicago: The University Of Chicago Press, 1980.

۵۲
ذهن

